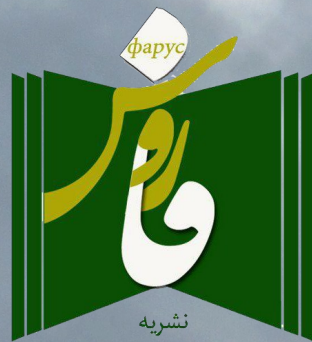


دانشگاه تربیت مدرس
معاونت فرهنگی و اجتماعی



نشریه
انجمن علمی دانشجویی زبان روسی
دانشگاه تربیت مدرس

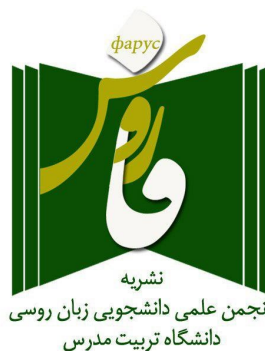
سال اول - شماره دوم - زمستان ۱۳۹۸



مجسمه‌ی دکتور در شهر کی‌یو بی‌ژن



دانشگاه تربیت مدرس
معاونت فرهنگی و اجتماعی



نشریه
انجمن علمی دانشجویی زبان روسی
دانشگاه تربیت مدرس

صاحب امتیاز:

انجمن علمی دانشجویی زبان روسی
دانشگاه تربیت مدرس
(معاونت فرهنگی و اجتماعی)

مدیر مسئول و سردبیر:

محدثه چراغعلی

مدیر اجرایی:

مینا مارزلو

هیئت تحریریه:

دکتر هادی بهارلو
(استادیار دانشگاه تربیت مدرس)

صدیقه خزایی، دانشجوی دکتری

مینا مارزلو، دانشجوی دکتری

فاطمه جعفری، دانشجوی کارشناسی ارشد

محدثه چراغعلی، دانشجوی کارشناسی ارشد

آزاده حسنی فرد، دانشجوی کارشناسی ارشد

محمد مهدی روبین، دانش آموخته ی کارشناسی ارشد

هما عرب، دانشجوی کارشناسی ارشد

شاندیز عمیدی، دانشجوی کارشناسی ارشد

مهناز معتضدیان، دانشجوی کارشناسی ارشد

صفحه آرا:

محدثه چراغعلی

فهرست

- ۳ مقاله علمی: لحن بیان در زبان روسی و نرم افزارهای تحلیل آکوستیکی ساختارهای لحن بیان
- ۹ چکیده پایان نامه: بررسی ابزار بیان قید فعلی زبان روسی معاصر در زبان فارسی
- ۱۱ مصاحبه با دکتر شهرام همت زاده، عضو هیئت علمی گروه زبان روسی دانشگاه شهید بهشتی
- ۱۴ گزارش نخستین کمپ روسی در ایران
- ۱۶ مقاله فرهنگی - اجتماعی: تسخیر چيستاپال
- ۱۹ برگی از تاریخ: اسلاوها چگونه زندگی می کردند؟
- ۲۰ اصطلاحات و تعبیرات: از این گوش می گیرد و از آن گوش در می کند.
- ۲۱ ترجمه اثر: قلب سوزان

نشانی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه زبان روسی

رایانامه: farus.tmu@gmail.com

تلفن تماس: ۸۲۸۸۳۶۶۵

این نشریه دارای مجوز شماره (۱۸۰۸ / ۵ / ۱۹۳) در تاریخ ۱۳۹۸/۰۲/۰۴ از

معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه تربیت مدرس است.

لحن بیان در زبان روسی و نرم افزارهای تحلیل آکوستیک ساختارهای لحن بیان

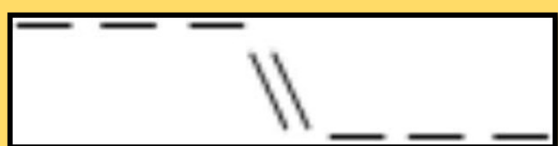
واحد های آوایی در زبان روسی به دو دسته ی زنجیری و زبرزنجیری تقسیم می شوند. واحدهای زنجیری از آوا، هجا، کلمه ی آوایی و عبارت تشکیل می شوند. از ویژگی های واحدهای زنجیری این است که قابلیت ادا شدن به صورت پشت سر هم و مستقل را دارند. آوا کوچکترین واحد گفتار است. از نقطه نظر آکوستیکی آوای کلام مانند هر آوای دیگری، پس از برخورد هوای بازدم با تارهای صوتی و ارتعاش مولکول های هوا و متعاقباً پرده ی گوش شنیده می شود. هجا آوا یا ترکیبی از آواهاست که با یکبار خروج هوا بیان می شود. کلمه ی آوایی به هجا یا هجاهایی اطلاق می شود که توسط یک تکیه بیان می شود. چند کلمه ی آوایی با هم یک عبارت را تشکیل می دهد.

تکیه و آهنگ کلام واحدهای زبرزنجیری را تشکیل می دهند. از مشخصه های واحدهای زبرزنجیری این است که به خودی خود نمی توانند وجود داشته باشند و برای بیان آنها به واحد های زنجیری نیاز است. [حق شناس، ۱۳۸۴: ۶۹-۱۳۱]

تکیه بعنوان یک واحد زبرزنجیری روی کلمه ی آوایی قرار می گیرد و سازمان دهنده ی آن است. تکیه به سه نوع دینامیکی، کمی و آهنگین تقسیم می شود، که به ترتیب با تغییر دامنه نوسان، طول و زیر و بمی آوا در ارتباط هستند. تکیه در زبان روسی بیشتر از نوع دینامیکی و کمی است که می تواند به شکل ثابت (روی یک هجا) یا متحرک (در حالت های مختلف روی هجاهای مختلف) نمود پیدا کند. هر کلمه ی آوایی دارای تکیه است، اگرچه در زبان روسی بعضی کلمات ممکن است تکیه ی کمکی نیز داشته باشند. مثلاً در کلمه ی *послезавтра* تکیه ی اصلی روی حرف *a* اول است در حالیکه تکیه ی دومی هم روی حرف *o* وجود دارد.



تکیه و آهنگ کلام واحدهای زبرزنجیری را تشکیل می دهند. از مشخصه های واحدهای زبرزنجیری این است که به خودی خود نمی توانند وجود داشته باشند و برای بیان آنها به واحد های زنجیری نیاز است. [حق شناس، ۱۳۸۴: ۶۹-۱۳۱]





آشنایی با نرم افزارها و مدل های تحلیل آکوستیکی لحن بیان

همان طور که پیشتر نیز ذکر شد، لحن بیان با تغییرات تن صدا در ارتباط مستقیم قرار دارد. تن صدا از جمله مفاهیم پایه ای است که در آواشناسی آکوستیک مورد استفاده قرار می گیرد و بنابراین، در جریان بررسی لحن کلام، از بین زیرمجموعه های آواشناسی، آواشناسی آکوستیک از اهمیت بسیار بالاتری برخوردار است. تحلیل آکوستیکی لحن بیان با استفاده از نرم افزارهای مختلفی انجام می پذیرد. آنالیز آکوستیکی معمولاً به دو روش انجام می شود: شنیداری تجربی و ابزاری. در روش ابزاری از نرم افزارهای مختلفی استفاده می شود که از جمله ی آنها می توان به Praat, Speech Analyzer, WinCecil, MacSpeech lab, WinSnoori, iceSpeech, EAST, CATT-Acoustic, ODEON, AIST-3D, STS, Cool Edit, Wave Sufer, WASP, Dr. Speech, Speech Tool و از نرم افزارهای روسی به «Цезарь», «Нестор», «Горыныч» اشاره کرد.

[Ширази, 2019: 41]

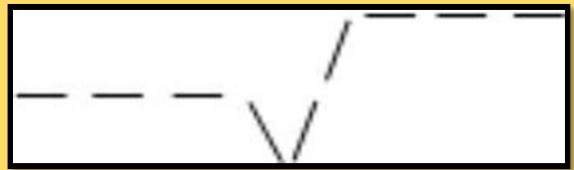
از جمله پرکاربردترین و شناخته شده ترین نرم افزارهای یاد شده نرم افزار پرات است. پرات برنامه ای برای تجزیه و تحلیل و دست کاری گفتار است که توسط بورسما و وینینک در موسسه علوم آواشناختی دانشگاه آمستردام نوشته شده است. پرات را می توان کارآمدترین و معتبرترین برنامه تحلیل آکوستیکی دانست. این برنامه رایگان، کم حجم و کاربرپسند تقریباً هر هفته ارتقاء می یابد، مشکلات احتمالی آن برطرف می شود و امکانات جدیدی بر آن افزوده می شود.

پرات ابزار قدرتمندی در دست آواشناسان صوت شناس است که به وسیله آن می توانند امواج صوتی را از جنبه های گوناگون مورد بررسی قرار دهند. تجزیه و تحلیل طیفی و سازه ای، زیرومی و شدت، و نیز اندازه گیری های زمانی از اهم کاربردهای آن است. همچنین این برنامه قابلیت دست کاری امواج و ساخت امواج مصنوعی را دارد و این امواج به ویژه برای آزمون های درکی نیز

ИК-3: برای بیان جملات پرسشی بدون کلمه ی پرسشی به کار می رود. مرکز آن روی کلمه ایست که مورد اصلی پرسش قرار می گیرد. در قسمت قبل از مرکز جمله با تن متوسط بیان می شود و در قسمت مرکز بالا می رود اما در قسمت بعد از مرکز کاهش می یابد.



ИК-4: در جملات پرسشی با معنی تقابل استفاده می شود. در قسمت قبل از مرکز تن متوسط است اما از قسمت مرکز بالاتر می رود و پس از مرکز نیز تن صدای عبارت بالا باقی می ماند.



ИК-5: در جملات تعجبی با ضمائر برای بیان احساسات استفاده می شود. در بعضی موارد جمله از یک کلمه ساخته می شود. در این شرایط قسمت مرکز به جای قرار گرفتن روی هجای اول روی هجای زیر تکیه قرار می گیرد. در قسمت قبل از مرکز تن صدا متوسط است، در قسمت مرکز تن صدا با افزایش همراه است، ثابت می شود و دوباره کاهش می یابد. در قسمت بعد از مرکز نیز تن صدا کاهش بیشتری پیدا می کند.



ИК-6: برای بیان جملات تعجبی مثبت استفاده می شود. برخلاف ИК-5 مرکز روی ضمیر قرار نمی گیرد. در قسمت قبل از مرکز تن متوسط است. در قسمت مرکز به شدت افزایش و پس از مرکز نیز در همان حالت ادامه پیدا می کند.



ИК-7: برای بیان جملات تعجبی با ضمائر برای بیان احساسات منفی به کار می رود. قبل از مرکز تن متوسط است و در قسمت مرکز افزایش پیدا می کند، اما در قسمت پس از مرکز کاهش می یابد. یکی از ویژگی های بارز ИК-7 این است که در قسمت مرکز دارای یک توقف کوتاه (بست) می باشد. [Одинцова, 2008: 293-133]

در این برنامه تعبیه شده اند. امکان ایجاد تصویر با کیفیت بالا جهت استفاده در مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها نیز از دیگر مزیت‌های آن است.

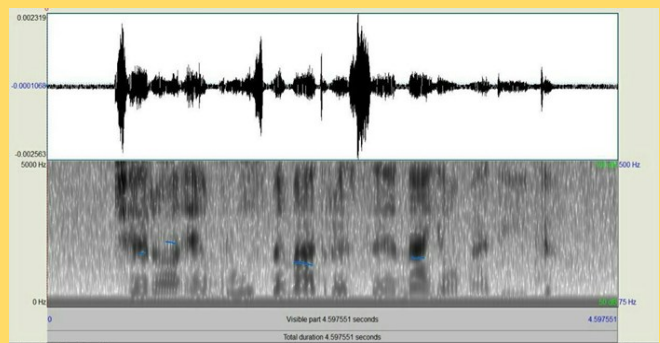
برای آغاز کار با برنامه پرات، پس از کلیک بر روی نماد برنامه دو پنجره به صورت هم‌زمان باز می‌شوند. پنجره‌ی سمت چپ "موضوع" praat object و پنجره‌ی سمت راست "تصویر" praat picture نام دارد. بعد از آن نوبت به ضبط و بارگزاری صدا به وسیله میکروفون درونی می‌رسد. در این قسمت ما بیشتر به پنجره‌ی موضوع در برنامه پرات نیاز داریم.

از منوی بالای پنجره گزینه new را کلیک کرده و گزینه اول (record mono sound) انتخاب نمایید. به این ترتیب ضبط صدا به صورت یک جهته انتخاب می‌شود.

با حضور صدا در پنجره موضوع، کلیدهای ثابت پایین پنجره از جمله rename, copy, inspect, remove, info فعال می‌شود.

برای ذخیره صدا در رایانه لازم است که پس از انتخاب آن در فهرست پنجره‌ی موضوع بر روی منوی ذخیره (save) در بالای پنجره‌ی موضوع کلیک کنید. بدین ترتیب گزینه‌هایی برای نوع ذخیره در زیر منوی ثبت باز می‌شود. در صورتی که گزینه write to binary file را انتخاب کنید، صدا مستقل از دستگاه با هر ماشینی خوانده می‌شود.

پنجره ویرایشگر صوت همانطور که در شکل ۱ نشان داده شده است، دارای دو نوار افقی نمایش صوت است که در نوار بالایی موج صوتی صدای مورد نظر نمایش داده می‌شود. طیف نگاشت مربوط به همان موج به صورت هم‌زمان در نوار پایین ملاحظه می‌شود. [نوربخش، ۱۳۹۲: ۷۱-۹۸]



شکل (۱) نمایی از صفحه‌ی اول و نحوه‌ی قرارگیری نمودار آکوستیکی بر روی این نرم افزار

طیف نگاشت نموداری سه بعدی است که زمان، انرژی و فرکانس، هر کدام یک بعد آن به شمار می‌روند. به بیان دیگر، طیف نگاشت محتوای طیفی موج را به صورت تابعی از زمان

نشان می‌دهد. این نوع نمودار در مطالعات آواشناسی صوت شناختی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، و بسیاری از سرنخ‌های صوت شناختی با استفاده از طیف نگاشت اندازه‌گیری می‌شوند.

در هر طیف نگاشت زمان در محور افقی و فرکانس در محور عمودی نشان داده می‌شود. میزان انرژی نیز به صورت طیف خاکستری مشاهده می‌شود. پررنگ‌تر بودن هر نقطه به معنی انرژی بالاتر آن نقطه است.

سازه، تمرکز انرژی صوتی حول یک فرکانس خاص در موج صوتی است. در مورد صدای انسان هر سازه مربوط به یک فرکانس تشدید درمجرای صوتی است. سازه‌ها معمولاً در طیف نگاشت باند پهن به صورت نوارهای سیاه رنگ افقی مشاهده می‌شوند که در بسیاری موارد مشاهده همین نوارهای سیاه کفایت می‌کند.

لحن بیان در کل از ترکیب عوامل مختلفی همچون آهنگ کلام (زیر و بمی گفتار)، دیرش، ضربه تشکیل شده است. [نوربخش، ۱۳۹۲: ۱۰۶]

از جمله مولفه‌های فیزیکی که در جریان کار با نرم افزار پرات باید مورد توجه قرار بگیرند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

بسامد یا فرکانس (frequency): تعداد حرکات نوسانی (سیکل) در واحد زمان (ثانیه) تواتر یا بسامد نامیده می‌شود، هر قدر بسامد بیشتر باشد صدا به اصطلاح زیرتر است و هر قدر بسامد کمتر باشد صدا بم تر است؛

دامنه نوسان (amplitude): طول مسافتی را که هر طبقه از مولکول‌های هوا طی نموده و دوباره به جای اولیه خود برمی‌گردد؛

بلندی صدا: بلندی صدا مربوط به مقدار انرژی ولی زیربومی آن مربوط به تعداد سیکل ارتعاش در ثانیه است، که نباید با زیربومی (pitch) اشتباه گرفته شود؛

موج صوتی مرکب و ساده: موج صوتی را از لحاظ چگونگی ساخت می‌توان به دو نوع عمده تقسیم کرد: بسیط (simple) و مرکب (complex).

موج‌ها مرکب از ترکیب تعداد زیادی موج بسیط با بسامد‌های گوناگون به وجود می‌آید که خود به دو نوع تقسیم می‌شوند: منظم (periodic) و نامنظم (aperiodic).

موج مرکب منظم از یک موج پایه و تعدادی موج‌های دیگر که به

آن هارمونیک (harmonic) یا همساز می‌گویند و بسامد هر کدام مضرب صحیحی از بسامد موج پایه است تشکیل می‌شود. موج مرکب نامنظم که به آن نویز (noise) می‌گویند از تعداد زیادی موج با بسامد های گوناگون که هیچ گونه رابطه خاصی با یکدیگر ندارند تشکیل می‌شود.

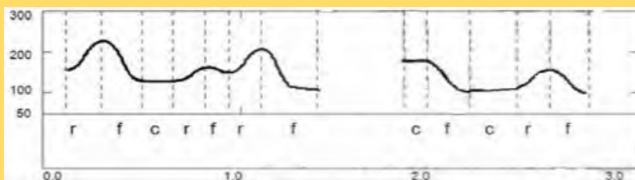
مدل های تحلیل خاصی جهت استخراج داده ها از نرم افزار استفاده می شود. از جمله شاخص ترین این روش ها می توان به روش های آر اف سی^۲ و شیب^۳ اشاره کرد، که در ادامه بیشتر با آنها آشنا می شویم. [ثمره، ۱۳۷۸: ۵-۸]

تحلیل رابطه میان تغییر منحنی های زیروبمی با

تکیه بر مدل پیوستگی خیزان/افتان (RFC)

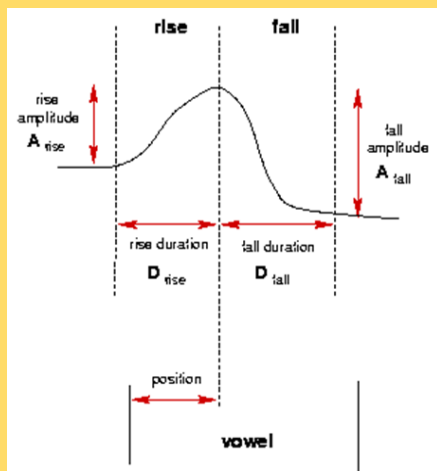
این مدل در سال ۱۹۹۵ توسط پاول تایلور مطرح شد، مدل RFC پایه و اساس تحلیل در مدل آهنگ شیب می‌باشد. در این مدل سه سطح توصیف وجود دارد که عبارتند از سطح منحنی F0، سطح پیوستگی خیزان/افتان و سطح واجی. انواع اصلی رخدادهای آهنگی تکیه های زیر و بمی و نواخت های مرزما هستند.

این مدل به تجزیه و تحلیل مشخصه های نوایی و عمدتاً آهنگ می‌پردازد و آهنگ به صورت توالی خطی رخدادهای آوایی (F0) بازنمایی می‌شود. واحد اصلی در این مدل رخدادهایی آهنگی است که همان منحنی های زیروبمی بدون در نظر گرفتن فضای بین منحنی ها می‌باشند. رخدادهای آهنگی در یک رابطه ی خطی قرار می‌گیرند.



شکل ۲) نمودار پیوستگی افتان-خیزان [ایمانی؛ علی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۴۹]

در شکل ۲ هر رخداد به یک هجا مرتبط است و برخی از هجاها فاقد رخداد آوایی می‌باشند.



شکل ۳) نمودار افت و خیز یک رخداد

طنین (timbre): نحوه ترکیب همسازها از موجی به موج دیگر فرق می‌کند و همین موضوع باعث ایجاد صدا با طنین (timbre) می‌شود.

زمان: اندازه گیری های مربوط به زمان از جمله مسائل مهم مطرح در آواشناسی هستند. اندازه گیری طول واکه‌ها، طول گذرواکه‌ها، طول گیرش در همخوان‌ها، طول واک‌داری، زمان شروع واک و مانند آن، در بسیاری از مطالعات آواشناسی آزمایشگاهی مشاهده می‌شود. بدین منظور در قسمت پایین پنجره ویرایشگر سه مستطیل افقی تعبیه شده است که هر یک نشان دهنده زمان خاصی است.

زیروبمی: منحنی زیروبمی تغییرات فرکانس پایه را در زمان نشان می‌دهد. برای مشاهده منحنی زیروبمی از منوی pitch در بالای پنجره ویرایشگر صوت گزینه show pitch را انتخاب کنید، تا کنار آن علامت تیک ظاهر شود. به این ترتیب منحنی زیروبمی به صورت یک توالی از دایره‌های آبی رنگ در پایین تصویر ظاهر می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که منحنی زیروبمی که در نرم افزار محاسبه می‌شود نه صوت شناختی، نه تولیدی و نه شنیداری است، بلکه از طریق محاسبه امواج منظم در یک دامنه فرکانس خاص به دست می‌آید.

شدت: اندازه گیری شدت صوت که به نوعی با انرژی آن رابطه مستقیم دارد نیز از جمله مسائلی است که در مطالعات آواشناسی کاربرد فراوانی دارد. یکی دیگر از امکانات پنجره ویرایشگر صوت مربوط به این پارامتر است. برای مشاهده منحنی شدت صوت لازم است از منوی intensity گزینه show intensity را تیک بزنید. به این ترتیب شاهد یک منحنی زرد رنگ روی طیف نگاشت خواهید بود. این منحنی تغییرات شدت صوت را در تابعی از زمان نمایش می‌دهد واحد اندازه گیری شدت در این نرم افزار dB SPL، یعنی مطابق سنت شدت را نسبت به آستانه شنوایی انسان دارای شنوایی هنجار برای یک موج سینوسی ۱۰۰۰ هرتز اندازه می‌گیرد.

بعد از تحلیل موج صوتی با استفاده از نرم افزار پرات معمولاً از

2. RFC
3. Tilt

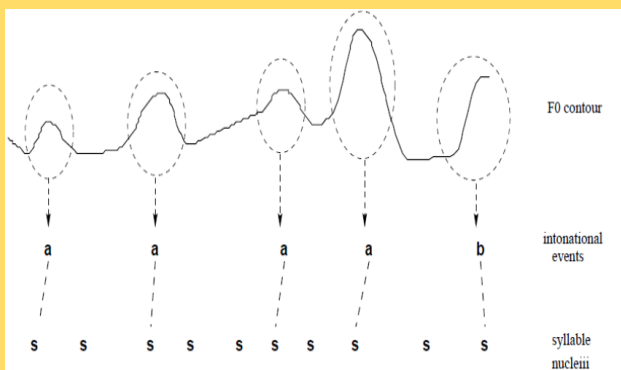
با بهره گیری از این مدل می توان با تقسیم پاره گفتار به بخش های افتان، خیزان یا ثابت به نموداری کلی برای آن دست یافت. برای نمونه، می توان به نمودار زیر که براساس یک پاره گفتار در لهجه اصفهانی و لهجه تهرانی زبان فارسی استخراج شده است، اشاره کرد: [علی-نژاد، ۱۳۹۱: ۱۳۴]

مدل شیب

مدل شیب برای تسهیل آنالیز آکوستیکی آهنگ کلام به کار می رود. این مدل که برپایه ی نظریات مدل RFC بنا شده است، اشکالات و موارد منفی RFC را برطرف کرده است. از مدل شیب (بر پایه ی مدل افتان-خیزان-پیوستگی) برای آنالیز آکوستیکی پاره گفتار استفاده می شود تا بتوان مقادیر دقیق دیرش، دامنه ی زیرویمی و شیب را ارزیابی و اندازه گیری کرد. این مدل را پاول تیلور در ارزیابی های خود برای زبان انگلیسی به کار برده است. مدل شیب آهنگ کلام را در سطح آهنگ کلام بعنوان توالی رخدادهای آوایی پارامتریک بیان می کند. این رخدادها اغلب پیوسته اند، اما لزوماً کاملاً مماس نیستند.

هر رخداد دارای یک افت و یک خیز می باشد که اندازه آنها می تواند متفاوت باشد و به صورت تکیه زیرویمی و نواخت مرزما مشخص شده است. تکیه زیرویمی معمولاً روی هجاهای برجسته در زنجیره صدایی اعمال می شود و مشخصه اصلی آنها تغییرات بسامد پایه (f_0) در هجا است. نواخت های مرزما در کناره واحدهای آهنگی ظاهر می شود. این نواخت ها در واقع (f_0) خیزان است که در مرز گروههای آهنگی کلید تشخیص شنونده است.

تکیه زیرویمی معمولاً روی هجاهای برجسته در زنجیره صدایی اعمال می شود و مشخصه اصلی آنها تغییرات بسامد پایه (f_0) در هجا است.

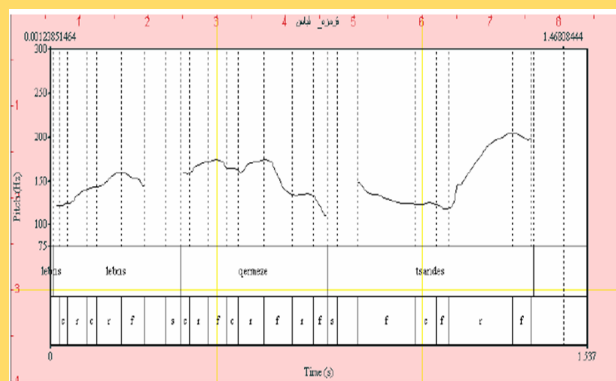


رخداد های آهنگی (f_0) در شکل بالا آورده شده است. همانطور که در شکل مشاهده می شود تکیه ی زیرویمی با حرف a و نواخت مرزما با حرف b مشخص شده اند. این نوع بازنمایی

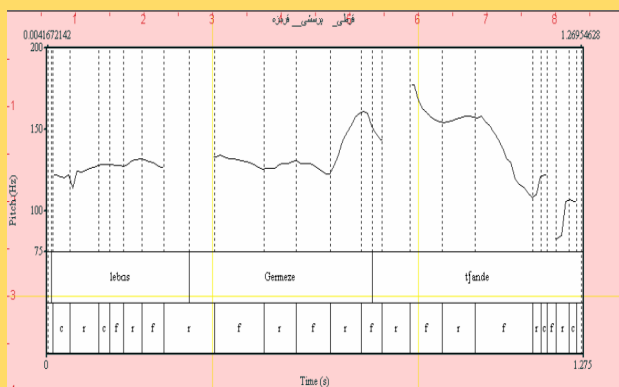
در مدل RFC، هر رخداد آهنگی دارای یک بخش خیز (rise) و افت (fall) می باشد (مانند شکل ۳). به عبارتی دیگر هر رخداد به وسیله یک خیز یا افت یا ترکیبی از شکل خیزان و افتان شکل می گیرد. هر بخش یک دامنه ی نوسان و بازه ی زمانی دارد و این دو پارامتر برای تعیین موقعیت زمانی رخداد در عبارت بیان شده و نمودار F0 استفاده می شوند.

تایلور معتقد است که تکیه زیرویمی در سطح پاره گفتار دیده می شود. این گونه تکیه بیشتر روی هجای تیکه بر واژه قرار دارد، یعنی هجاهای تکیه دار بالقوه می توانند در سطح پاره گفتار حامل تکیه زیرویمی باشند.

عناصر افتان و خیزان دارای دامنه زیرویمی دیرش هستند و در منحنی های بسامد اصلی گفتار اندازه گیری می شوند، ولی عنصر پیوستگی که به صورت قسمت های هموار در طیف مشاهده می شود، نقش واجی ندارد و به همین علت اندازه گیری نمی شوند. اگرچه مدل RFC به طور دقیق نمودار F0 را اندازه گیری می کند، اما پارامتر های آن به سادگی قابل اندازه گیری نمی باشند. برای مثال وجود دو بازه ی زمانی و دو بازه ی نوسان (شکل ۳) برای هر رخداد اندازه گیری دقیق را با مشکل مواجه می کند. [Taylor، ۱۹۹۹: ۱-۲؛ ویسی، ۱۳۹۰: ۱۳۰-۱۳۲]



شکل ۴) منحنی زیر و بمی پاره گفتار پرسشی در گونه ی فارسی اصفهانی - گویشور مرد - جمله ی "لباس قرمز چنده؟"



شکل ۵) منحنی زیر و بمی پاره گفتار پرسشی در گونه ی فارسی محاوره ی تهرانی - گویشور مرد - جمله ی "لباس قرمز چنده؟"

نوربخش، ماندانا. آواشناسی فیزیکی با استفاده از رایانه. تهران: علم، ۱۳۹۲، ۲۲۸ص.

حق شناس، علی محمد. آواشناسی. تهران: آگاه، ۱۳۹۲، ۱۹۲ص.

ثمره، یدالله. آواشناسی زبان فارسی: آواها و ساخت آوایی هجا. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۸، ۱۸۳ص.

بدیعی، مرضیه؛ علی نژاد، بتول؛ رضایی، والی. بررسی و دست کاری متغیرهای آکوستیکی جملات سؤالی و تبدیل آنها به جمله خبری بر اساس مدل شیب، مجله پژوهش های زبانی، بهار و تابستان ۱۳۹۸، دوره دهم، شماره ۱: صص. ۶-۸

ویسی، الخاص؛ علینژاد، بتول. تحلیل رابطه میان تغییر منحنی های زیروبمی گفتار و بیان احساس در زبان فارسی با تکیه بر مدل پیوستگی خیزان-افتان، ادبیات و زبانها: دو فصلنامه زبانشناسی و گویش های خراسان، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، دوره سوم، شماره ۵: صص. ۱۳۰-۱۳۲

علی نژاد، بتول؛ مهدوی، فرشته. بررسی مقایسه‌ای آهنگ پاره‌های گفتار در گونه‌ی فارسی اصفهانی و گونه‌ی فارسی محاوره‌ی تهرانی در چهارچوب مدل خیزان-افتان و پیوستگی، دو فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء(س)، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، دوره چهارم، شماره ۷: صص. ۱۲۳-۱۴۳

ایمانی، آوا؛ علی‌نژاد، بتول. تحلیل آکوستیکی "آهنگ" در قصه‌گویی کودکان فارسی‌زبان بر پایه الگوی خیزان-افتان و پیوستگی، فصلنامه‌ی مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه، تابستان ۱۳۹۳، دور دوم، شماره ۵: صص. ۴۱-۶۰

- ♦ رخدادها اساس کار مدل (RFC) است. در مدل شیب هر رویدادی توسط مجموعه‌ای از متغیرهای پیوسته از جمله دامنه‌ی زیروبمی و دیرش مشخص می‌شود. اگر یک رخداد تنها دارای خیز یا افت باشد دامنه و دیرش بخشی که خیز یا افت ندارد برابر با صفر خواهد بود.
- ♦ با بهره‌گیری از معادلات شیب و پیوستگی افت و خیز می‌توان منحنی F0 را تولید کرد و شکل رخداد و اندازه‌ی نسبی مولفه‌های افت و خیز یک رخداد را تعیین کرد. دامنه (a)، دیرش (b) و شیب (c) به صورت زیر تعیین می‌شوند: ابدیعی، [۱۳۹۸: ۶-۷]

$$a) \text{tilt}_{amp} = \frac{|A_{rise}| - |A_{fall}|}{|A_{rise}| + |A_{fall}|} \quad b) \text{tilt}_{dur} = \frac{|D_{rise}| - |D_{fall}|}{|D_{rise}| + |D_{fall}|}$$

$$c) \text{tilt} = \frac{\text{tilt}_{amp} + \text{tilt}_{dur}}{2}$$

منابع

- ♦ Стариченок В.Д. и др. Современный русский литературный язык. –Минск: вышэйшая школа, 2011. -596с.
- ♦ Ширази А., Анализ ошибок иранских студентов при выражении русских вопросительных предложений с ИК-2 ИК-3, Магистерская диссертация, университет Тарбият Модарес, Тегеран, 2019.
- ♦ Оди́нцова И. В. Звуки Ритмика Интонация, Русский язык как иностранный. –М.: наука, 2008. – 368с.
- ♦ Taylor, A.P. 1992. A phonetic model of English intonation: A thesis submitted for the Doctoral dissertation, UK, University of Edinburg

بررسی ابزار بیان قید فعلی زبان روسی معاصر در زبان فارسی

مثال	ساختار	ع.ن
(۱) گرفت + ار = گرفتار	(۱) صفت مفعولی (بن مضارع + ار) (۲) صفت مفعولی (بن ماضی + ه) (۳) صفت فاعلی گذشته (بن ماضی + ه) (۴) صفت فاعلی؛ صفت حالیه (بن مضارع + ان)	۱.
(۲) خورد + ه = خورده		
(۳) رفت + ه = رفته		
(۴) تاز + ان = تازان، لرز + ان = لرزان		
ما دست و پای برای یغما جمع کنان، دست و پای اسیران را بسته ایم.	گروه یا عبارات قیدی	۲.
کودک در حالیکه گریه می کرد به طرف مادرش رفت. کودک گریه کنان به طرف مادرش رفت.	قید موول یا گشتاری	۳.
شبی خورشید... در مستی افتان و خیزان به گلستان رفت. شاگردان... چمدان به دست، سوت زنان و شادی کنان از مدرسه خارج شدند.	قید حالت	۴.
با خوردن تریاک، بعد از، پس از، قبل از	گروه قیدی و ترکیباتی که به عنوان پیوند در گروه قیدی به کار می روند.	۵.
خند + ان = خندان	اشتقاق قید از فعل (ستاک حال + ان)	۶.

در این مختصر به بررسی ابزار بیان قید فعلی (деепричаствие)، فرم تغییرناپذیر فعل (неизменяемая форма глагола) به زبان فارسی می پردازیم.

از جمله مشکلات موجود پس از یادگیری ساخت دستوری قید فعلی، چند وجهی بودن^۱ معنای قید فعلی و نیز عدم یافتن معادل در فرهنگ لغت های روسی به فارسی است؛ چرا که قید فعلی، فرم اصلی فعل نبوده و از طرف دیگر قید فعلی می تواند معنای مختلفی از جمله معنای زمان، علت، هدف، تقابل و غیره را در ارتباط با دیگر اجزای جمله بیان کند.

نکته دیگر در رابطه با قید فعلی و دشواری در فهم و معادل یابی آن، تفاوت در ساختارهای دستوری زبان روسی و فارسی است. اکثریت دستورنویسان روس در این باره هم عقیده اند که قید فعلی شکلی از فعل است که همزمان معنای فعلی و قیدی را بیان می کند. اما در زبان فارسی به مانند زبان روسی، ساخت دستوری قید فعلی تنها بوسیله یک واحد دستوری مستقل بیان نمی شود، بلکه ابزارهای دستوری متنوعی وظیفه بیان قید فعلی را بر عهده دارند.

حال این سوال مطرح می شود که آیا با ابزار بیان کننده معنای قید فعلی در زبان فارسی آشنایی دارید؟ چه تعداد از آن ها را می شناسید؟

در جدول با ذکر مثال به سوال بالا پاسخ خواهیم داد. سپس معنای مختلف قید فعلی را با معادل فارسی ارائه خواهیم کرد.

۱. یک قید فعلی با توجه به بافت جمله و در ارتباط با دیگر اجزای جمله می تواند معنای مختلفی از جمله معنای زمانی، علت، هدف، تقابل و غیره را در بر داشته باشد.

۷.	اشتقاق قید از صفت (صفت + وار)	دیوانه + وار = دیوانه وار
۸.	حرف اضافه مرکب (حرف اضافه + حرف دیگر / حرف اضافه + اسم)	قبل از، پس از، با وجود، در جهت، پیش از
۹.	م.ماضی ت.ماضی	(۱) پیرمرد فریادی کشیده آنآ مرد.
		(۲) او پارسال هر هفته به خانه ما آمده ما را می‌دید.
		(۳) در همه دنیا... وقایع عمده آن سال را بعضی‌ها در یک کتاب نوشته، انتشار می‌دهند.
		(۴) مضارع اخباری
۱۰.	صفت بیانی فاعلی (بن مضارع + ان)	(۴) عاقبت مرافعه به این ختم شد که یهودی یک صد دینار به تاجر داده، از کلیه حقوق خود بگذرد
		گری + ان = گریان، شتاب + ان = شتابان، گریز + ان = گریزان

قید فعلی در زبان روسی مفاهیم زیر را بیان می‌کند:

• **تقابل**

Идея «Монтрё», идея мирного процесса и национального диалога в Сирии при международном посредничестве — умерла, не успев и родиться.

اندیشه «مونترو» یعنی اندیشه‌ی راه اندازی فرآیند صلح و گفتگوی ملی در سوریه با میانجی‌گری بین المللی هنوز به دنیا نیامده جان سپرده است.

• **علت**

Саудовская Аравия, понимая роль университетов в формировании будущих лидеров Соединенных Штатов, вкладывает финансовые средства в систему американского высшего образования.

عربستان سعودی با درک نقش دانشگاه‌ها در شکل دهی ذهنیت رهبران آینده آمریکا، در نظام آموزش عالی آمریکا سرمایه گذاری می‌کند.

• **هدف**

Волк принюхивался к следам, разыскивая спрятавшегося зайчонка.

گرگ برای یافتن خرگوش کوچولوی پنهان شده، ردپاها را بو می‌کشید و دنبال می‌کرد.

• **زمان**

Повторяя это, один за другим удаляются, и зала пустеет.

ضمن تکرار این عبارت، یکی پس از دیگری بیرون می‌روند و تالار خلوت می‌شود.

• **چگونگی و حالت (قیدی)**

Мы вернулись, расстроившись.

ما آشفته، برگشتیم.

• **شرط**

Ведь если начать их критику, то одряхлевшие правящие династии могут и наказать, снизив объемы поставок энергоресурсов.

اگر غرب سعی کند از آنها انتقاد بکند، ممکن است خاندان های حاکم فرتوت با کاهش صادرات حامل های انرژی، منتقدین خود را مجازات کنند.

در آخر یادآور می‌شویم که در صورت علاقه‌مندی به موضوع تحقیق و با توجه به کاربردی بودن آن در ترجمه و مشاهده خطاهای ممکن در معادل یابی به زبان فارسی می‌توانید به پایان نامه «بررسی خطاهای ترجمه قید فعلی زبان روسی معاصر در متون مطبوعاتی به زبان فارسی» مراجعه کنید.

برگرفته از پایان نامه: **بررسی خطاهای ترجمه قید فعلی**

زبان روسی معاصر در متون مطبوعاتی به زبان

فارسی، صدیقه خزایی، استاد راهنما: دکتر محمدرضا

محمدی، استاد مشاور: دکتر محبوبه علیاری شوره دلی،

۱۳۹۵، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ی علوم

انسانی، گروه زبان روسی

مصاحبه‌گر: فاطمه جعفری؛ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس



مصاحبه با دکتر شهرام همت زاده، عضو هیئت علمی گروه زبان روسی دانشگاه شهید بهشتی

نفیس‌ی برگزار شد و من هم در آن مراسم حضور داشتم دیدم کسی که ترجمه را برای چاپ در اختیارش گذاشتم، کتاب را به نام خود چاپ کرده است، که خوب این کار من را ناراحت کرد چون کتابی که من ترجمه کرده بودم و یک ویراستار حرفه‌ای آن را ویرایش کرده بود و به نظر خودم کار خوبی بود به نام فرد دیگری چاپ شده بود و حتی چند کار دیگر هم از من دست او بود که باز هم به نام افراد دیگری چاپ شدند، ولی خب بعدها گفتم اتفاقی بود که افتاده و من پیگیر آن نشدم. به همین دلیل چند سالی بود که انگیزه ام برای ترجمه کم شد و دیگر دست و دلم به ترجمه نمی رفت و دلخور شده بودم. اما باز هم برای جاهای مختلف مثل وزارت دفاع کتاب ترجمه می کردم ولی کتابی را به قصد چاپ ترجمه نکردم تا این که سال ۱۳۹۶ خانم الکسیویچ در سال ۲۰۱۵ میلادی برای کتاب «МОЛИТВА чернoбилская» برنده جایزه نوبل ادبی شدند، خیلی برام جالب بود چون تا آن زمان اسم ایشان را نشنیده بودم. شروع به خواندن نسخه ی روسی کتاب کردم و هم زمان که کتاب را می خواندم، برای خودم هم ترجمه می کردم، یکی از دوستان که فهمید این کتاب را ترجمه کرده ام پیشنهاد چاپ آن را داد. نسخه اول چاپ این کتاب حتی ویرایش هم نشده است، ولی برای چاپ دوم کتاب که به زودی منتشر خواهد شد ویرایش صورت گرفته است.

• برای ترجمه، بیشتر چه کتاب هایی را انتخاب

• در صورت امکان خودتان را معرفی کنید:

شهرام همت زاده متولد سال ۱۳۵۶ از شهرستان جلفا هستم، هر سه مقطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری را در دانشگاه تهران گذراندم و از سوابق کاری هم می توانم به همکاری با فدراسیون ها، وزارت دفاع، کارهای تجاری آزاد اشاره کنم. از سال ۱۳۸۶ در دانشگاه فردوسی مشهد تدریس را شروع کردم و از سال ۱۳۹۱ هم در دانشگاه شهید بهشتی مشغول به تدریس هستم و حدود سه سال هم در دانشگاه جامع المصطفی قم مشغول به تدریس بودم.

• از چه زمانی به ترجمه کتاب علاقمند شدید؟ از چه سالی به صورت رسمی شروع به ترجمه کرده اید؟ اولین ترجمه ی شما چه کتابی بود؟

خب من به ترجمه کتاب علاقه داشتم و چند کتاب هم ترجمه کرده بودم که به دلایل مختلف هیچ وقت آن ها را چاپ نکردم، من کتاب زیاد مطالعه می کردم و فکر می کردم که برای چاپ کتاب مطالعه زیادی لازم است و حتی الان که شروع به ترجمه کردم فکر می کنم شاید زود این کار را شروع کردم، باید مطالعه بیشتری می داشتم. در سال ۱۳۸۷ کتابی که توسط نویسنده گرجی در مورد سعید نفیسی و اشعار او نوشته شده بود، در اختیار من قرار داده شد که ترجمه کنم که به نام من چاپ شود، ولی متأسفانه در مراسمی که برای بزرگداشت آقای سعید

می کنید؟ معیار شما برای انتخاب کتاب و ترجمه آن چیست؟

خب من بعضی از کتاب ها را می خواندم و برای خودم ترجمه می کردم و ترجمه ی خودم را با ترجمه های چاپ شده مقایسه می کردم مثل رمان «رودین» تورگنیف، «آبلاموف» از گانچاروف یا کارهایی از گوگل ولی هیچ کدام را چاپ نکردم.

چیزی که در کارهای خانم الکسیویچ من را جذب کرد این بود که کتاب های او در مورد تاریخ معاصر روسیه، شوروی و فروپاشی شوروی و اتفاقات این دوره است و چون این دوره از تاریخ روسیه برای من جذاب است من بیشتر علاقمند به ترجمه کتاب های او شدم.

• **چقدر نویسنده در انتخاب کتاب هایی که ترجمه کرده اید، موثر بوده است؟**

برای من نویسنده قطعا در انتخاب کتاب مهم است. چون نویسنده های مختلفی در این باره کتاب نوشته اند. اما کتاب های خانم الکسیویچ بر اساس مستندات و بر مبنای تاریخ شفاهی هستند که خوب همین از جذابیت های کارهای ایشان است.

همیشه برای من جذاب بود که شوروی به عنوان یک ابرقدرت چگونه دچار فروپاشی شد. من خودم متولد جلفا هستم و این که در زمان فروپاشی شوروی جلفا زندگی می کردم و از نزدیک شاهد این صحنه ها بودم که مردم سعی می کردند بعد از فروپاشی شوروی از رود ارس وارد خاک ایران شوند. بعدها با خواندن کتاب های مختلف متوجه شدم که شوروی یک ابرقدرت پوشالی بود.

• **چه کتاب هایی را تا کنون ترجمه کرده اید؟**

«زمزمه های چرنوبیل» از سیوتلانا الکسیویچ، «زمان دست دوم» از سیوتلانا الکسیویچ که به نظر من واقعا کتاب جذابی است و کتاب در حال چاپ «شیفتگان مرگ» که باز هم از سیوتلانا الکسیویچ است که به خودکشی های زمان شوروی می پردازد که بعضی از این خودکشی های برای زمان قبل از فروپاشی و بعضی ها برای بعد از فروپاشی شوروی هستند. ۲۲ داستان خودکشی است که بعضی از شخصیت های داستان با شخصیت های داستان «زمان دست دوم» یکی هستند که در کتاب زمان دست دوم از جنبه های دیگر به این افراد پرداخته شده است. فروپاشی شوروی همیشه از دیدگاه های مختلف اقتصادی، سیاسی و... بررسی شده است. ولی کتاب «شیفتگان مرگ» از دید روانشناسی اجتماعی به این اتفاق پرداخته است که

برای خواننده جذاب است. کتاب دیگرم کتاب «خرم آباد» از آندری ولاس است که در دوازده داستان به اتفاقات فروپاشی شوروی در تاجیکستان، پرداخته است.

• **کدام یک از این کتاب ها برای شما جذاب تر بود؟**

من الان در حال ترجمه ی کتابی هستم از گورباچف که آخرین کتاب اوست و اسمی که تا الان برای آن انتخاب کرده ام «در دنیای در حال دگرگونی» است ولی تا پایان ترجمه کتاب ممکن است نام آن تغییر کند. واقعا برای من کتاب جذابی است که کتش بسیاری برای ترجمه و خواندن آن دارم.

• **از بین شخصیت این کتاب ها کدام شخصیت، نظر شما را بیشتر جلب کرده است؟**

شخصیت های متفاوتی بودند ولی برای مثال در داستان آخر کتاب «زمان دست دوم» شخصیت خانمی که از طریق مکاتبه عاشق مردی می شود که در زندان محکوم به حبس ابد است و خانواده خود را رها می کند و به دنبال او می رود.

• **از بین کتاب هایی که ترجمه کرده اید قسمتی از کتاب بوده که برای شما جذاب تر و از نظر شما خیلی تاثیر گذارتر باشد؟**

صفحه ی ۳۱۲ کتاب «زمان دست دوم»، درباره فردی است که خود را وقف کمونیست کرده بود و در آخر خود نیز گرفتار زندان های کمونیستی می شود. زندانی که در آن افراد بی دلیل زندانی شده بودند مثل فردی که بخاطر شباهت به استالین دستگیر شده بود. در این زندان از همه اقشار جامعه از جمله دانشمند، آرایشگر، آهنگر، استاد دانشگاه و.. زندانی بودند.

• **چه بازخوردهایی بعد از چاپ کتاب هایتان گرفته اید؟**

خب علاوه بر باز خورد هایی که از افراد مختلف در ایران گرفتم، افرادی از تاجیکستان و افغانستان که کتاب «زمزمه های چرنوبیل» را به زبان فارسی خوانده بودند، به من پیام دادند که برای من خیلی جالب بود و حتی نقدی از کتاب زمزمه های چرنوبیل در یکی از مجلات افغانستان چاپ شده است. از طریق ترجمه این کتاب ها من با دوستان بسیار خوبی در سایر کشورها آشنا شدم.

• **مخاطب کتاب هایی که شما ترجمه کرده اید چه کسانی هستند؟**

من در ترجمه مسیر خاصی را انتخاب کرده ام و حاضر به ترجمه



• به نظر شما وضعیت ترجمه کتاب های روسی در حال حاضر چه طور است؟

در حال حاضر وضعیت ترجمه رو به پیشرفت است، کتاب های خوبی با ترجمه های خوبی چاپ می شوند و خواننده ها نیز برای مطالعه سراغ کتاب های خوب می روند. قبلا کتاب ها اکثرا از زبان انگلیسی ترجمه می شدند که کم کم این اتفاق در حال تغییر است و همین موضوع باعث ایجاد دید روشن به آینده ترجمه آثار روسی شده است.

• شما چه پیشنهاداتی برای مترجمان تازه کار و دانشجویان رشته مترجمی و زبان های خارجی برای موفقیت بیشتر در زمینه ی ترجمه دارید؟

به نظر من برای شروع به ترجمه، افراد نیازمند مطالعه بسیار هستند، مطالعه پایه کار برای شروع ترجمه است و این که هر فرد برای شروع به این کار ابتدا باید حوزه و گرایش ترجمه ی خود را مشخص کند. برای مثال من به دوران فروپاشی شوروی علاقمند بودم و حیطة ی ترجمه هایم را نیز بر اساس همین موضوع انتخاب کردم، این کار کمک بسیاری به مترجم می کند.

• ضمن تشکر از وقتی که برای مصاحبه گذاشتید، در پایان اگر حرف یا نکته خاصی در نظر دارید، بفرمایید:

متشکرم از این که این وقت را در اختیار من گذاشتید، این مصاحبه باعث سعادت و شادمانی بنده بود.

هر کتابی نیستم و در حوزه انتخابی خود ترجمه می کنم. این گونه کتاب ها عامه پسند نیستند و فقط قشر خاصی از جامعه که به این حوزه علاقمند و مشتاق مطالعه درمورد این دوره زمانی هستند، این کتاب ها را مطالعه می کنند.

• این روزها مشغول ترجمه چه کتابی هستید؟

همانطور که گفتم، من در حال ترجمه ی کتابی از گورباچف هستم، که آخرین کتاب اوست که در سال ۲۰۱۸ چاپ شده است. تا حدودی می توان این کتاب را وصیت نامه او دانست چون نکات متفاوتی که تا کنون بیان نشده بود را در این کتاب بیان می کند.

• آثاری که شما ترجمه کرده اید قبلا ترجمه شده اند؟ دلیل ترجمه مجدد آنها توسط شما چی بود و در کل نظر شما در مورد ترجمه موازی چیست؟

بله کتاب «زمنه های چرنوبیل» قبلا توسط انتشاراتی به نام «صداهایی از چرنوبیل» چاپ شده بود، و این ترجمه از زبان انگلیسی انجام شده که اشتباهات زیادی دارد به همین دلیل من نیز اقدام به ترجمه این اثر کردم.

در کل ترجمه های موازی به شرط کمک به هم، می تواند مفید باشند.

• نویسنده روسی مورد علاقه ی شما کیست؟

من به آثار سویتلانا الکسیویچ علاقمند هستم. هرچند ایشان بلاروسی الاصل هستند. ولی به زبان روسی می نویسند و آثار او در حوزه ای است که من به آن علاقه دارم.

نفس‌تین کمپ روسی در ایران

بود و تور لیدرها سعی کردند درست شبیه تور واقعی مسکو، توضیحات را ارائه دهند.

• در آخر برنامه بحث آزاد با موضوع «من به روسی خوب صحبت می‌کنم چرا... و من به روسی بد صحبت می‌کنم چرا...» به سرپرستی دکتر بهارلو برگزار شد و پس از گفتگوی فراوان و بررسی چالش‌ها و راه‌حل‌ها، شرکت‌کنندگان نظرات خود را در مورد چگونگی برگزاری هرچه بهتر برنامه‌های بعدی کمپ ارائه دادند.

• در زمان خداحافظی دانشجویان با دریافت هدیه از دکتر آبتین گلکار و نوشتن یادگاری برای کمپ، برنامه را ترک کردند.

• در این برنامه همه موظف بودند فقط روسی حرف بزنند، فارسی صحبت کردن ممنوع بود.

• اگر دانشجویان کلمه‌ای را نمی‌دانستند، می‌توانستند از فرهنگ لغت گویا (آقای نیما افشار) بپرسند. و اگر کلمه‌ای را به فارسی می‌گفتند موظف بودند ۵ بار آن را برای پلیس (خانم مینا مارزلو) به روسی تکرار کنند.

در این برنامه که با هدف تقویت گفتار دانشجویان برگزار شد، دانشجویان به ۴ گروه تقسیم شدند و به همراه سرگروه‌هایشان چندین موقعیتی که در قالب بازی درآمده بود را اجرا کردند.

• موقعیت مصاحبه با مدیر شرکت

• آنا دختری که گم شده است را بیابیم

• وسایل لازم برای مسافرت به روسیه

• بازی کلمات

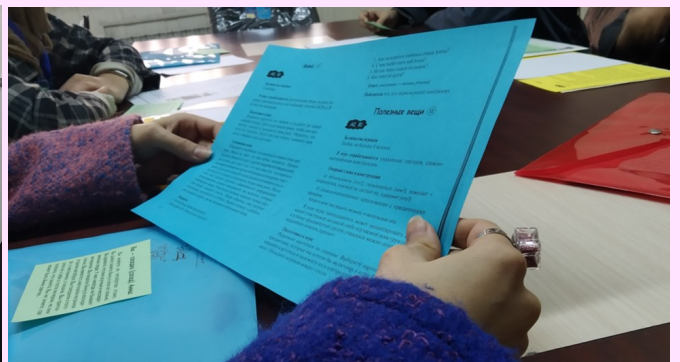
• سپس همگی در بازی «من تو ام، تو منی» فرم‌هایی را درمورد علایق یکدیگر پر کردند.

• در بخش بعد یکی از آهنگ‌های ملی میهنی روسی که تمام روس‌زبانان آن را می‌شناسند، برای هم خوانی انتخاب کردیم. در روز برنامه ابتدا دکتر آبتین گلکار پیشینه تاریخی آهنگ و معنی هر بخش را (روسی به روسی) توضیح دادند و سپس هم خوانی زیبایی از این سرود ملی میهنی صورت گرفت.

• در قسمت بعدی که گردش در مسکو نام داشت، عکس مکان‌های دیدنی اطراف میدان سرخ بر روی دیوار نصب شده



موقعیت «با خودمان به روسیه چه ببریم؟»



موقعیت: «آنا کجاست؟»



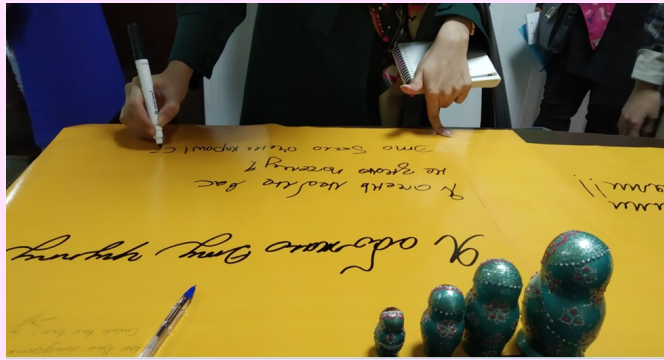
موقعیت: «من تو ام، تو منی»



موقعیت: «بازی کلمات»

برنامه ی ارائه شده در نخستین کمپ
ثبت نام
موقعیت ارتباطی: «جستجوی کار»
موقعیت ارتباطی: انتخاب وسایل لازم برای اعزام به دوره تحصیلی
موقعیت ارتباطی: آنا کجاست؟
بازی کلمات
پذیرایی
موقعیت ارتباطی: توضیح در مورد ویژگی های دوستان
پذیرایی ناهار و مکالمه
گشت در خیابان تورسکایا
تمرین آهنگ کاتیوشا و هم خوانی با یکدیگر
اجرای سناریوی آموزشی افعال حرکتی
پذیرایی
بحث آزاد با موضوع: زبان روسی من خوب است چون...:
زبان روسی من بد است چون... و نظر نهایی در مورد کمپ

تیم علمی و اجرایی طرح	
هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس	دکتر هادی بهارلو
هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس	دکتر آبتین گلکار
دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس و مدیر اجرایی کمپ	مینا مارزلو
دانش آموخته ی کارشناسی ارشد	فاطمه همتی
دانشجوی کارشناسی ارشد	شاندیز عمیدی
دانشجوی کارشناسی ارشد	هما عرب
دانشجوی کارشناسی ارشد	مهناز معتضدیان
دانشجوی کارشناسی ارشد	مصطفی چگینی
دانشجوی کارشناسی ارشد	فاطمه جعفری
دانشجوی کارشناسی ارشد	نیلوفر دولو
دانشجوی کارشناسی ارشد	محدثه چراغعلی
دانشجوی دکتری زبان روسی	فاطمه السادات میرلوحی
دانشجوی دکتری زبان روسی	فاطمه قنبری
فارغ التحصیل معماری از دانشگاه مسکو	نیما افشار



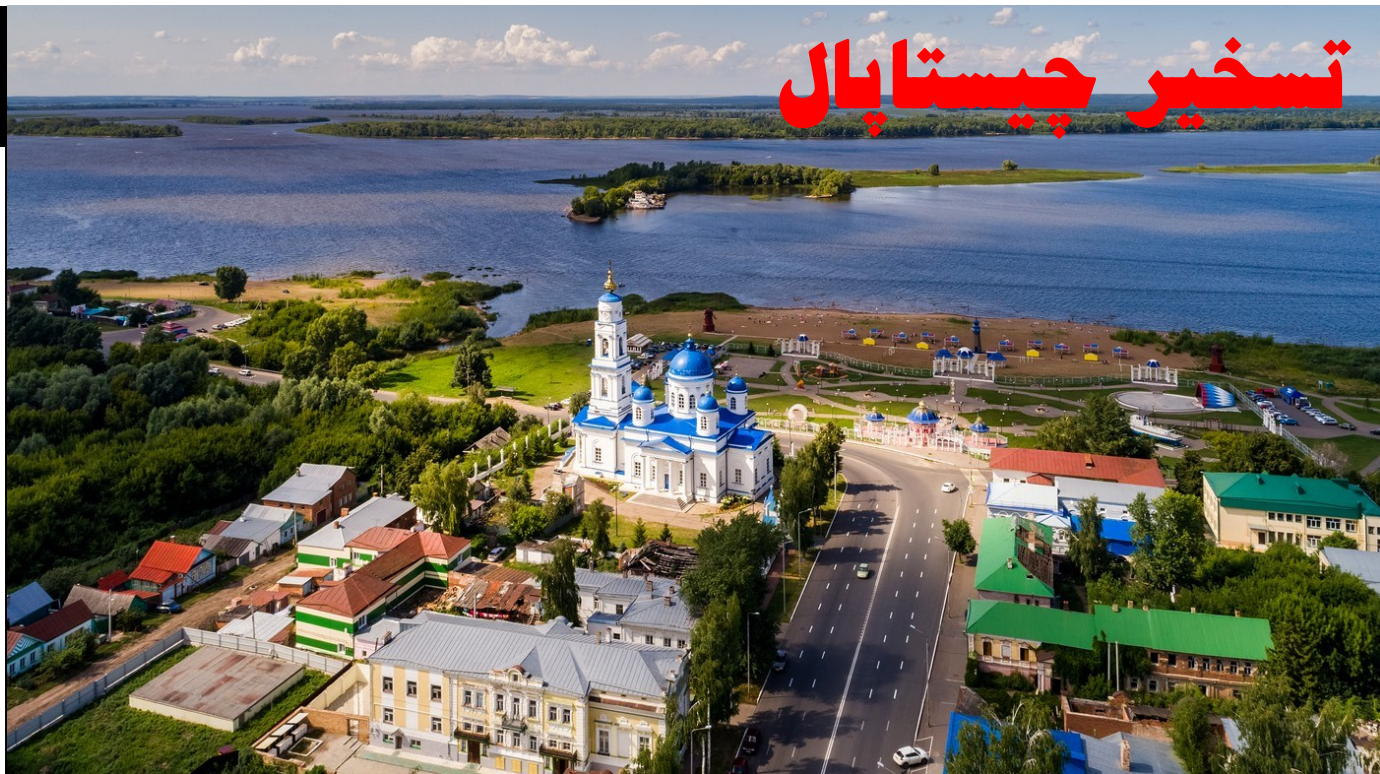
نوشتن یادگاری توسط حاضرین



اهدای هدایا توسط دکتر گلکار



تسخیر چیستاپال



محمد مهدی روبین، دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران

مقدمه مترجم مقاله:

بود و شاید منتظر تعمیر و سازگاری با کارکردهای جدید باشند. در هر صورت، آنها شانس بقا دارند.

اولین پارادوکس چیستاپال

این خانه‌ها که در خیابان‌های مرکزی شهر قرار دارند نه تنها از نظر معماری بلکه از منظر تاریخی نیز جالب هستند. به عنوان مثال، خانه پزشک چیستاپال دمیتری آودیف، که در سالهای جنگ جهانی دوم، محافظت از نویسندگان معروف پایتخت که از شهر خود خارج شده بودند از جمله باریس پاسترناک را بر عهده گرفته بود، وارد تاریخ ادبیات غنی روسیه شده است. اعتقاد بر این است که دکتر آودیف نمونه پیش‌الگوی قهرمان رمان «دکتر ژواگو» شد. با این حال، خانه وی خالی از سکنه و سوخته است و اکنون شاید فقط بتوان نمای آن را برای تاریخ حفظ کرد. البته اگر فرصت مطالعه و تعمیر آن وجود داشته باشد.

وضعیت خانه شمس الدینوف در خیابان توکایا، بنای تاریخی قرن نوزدهم، زیاد بهتر نیست. این بنای خالی از سکنه قبلاً توسط غارتگران به طور جدی سرقت شده است.

اولین پارادوکس تاریخی چیستاپال این است که عموم جامعه و داوطلبان می‌بایست بناهای تاریخی این شهر باستانی را از دولت و عواقب اجرای برنامه‌های ملی نجات دهند. بناهای تاریخی از ابتدا متروکه نبودند و به خودی خود در معرض خطر قرار نگرفتند، بلکه به دلیل قرار گرفتن در برنامه اسکان مجدد ساخت مسکن ویران شده بودند. طبق این برنامه، در منطقه چیستاپال قرار بر این بود که ۱۸۳ خانه از جمله ۷۰ مورد در مرکز شهر تخریب شود. در ابتدا، هیچ‌گونه استثنائی در مورد انحلال، حتی برای بناهای

مقاله حاضر به بررسی کنش‌های اجتماعی در زمینه حفظ بناهای تاریخی مشاهیر در جمهوری تاتارستان روسیه می‌پردازد.

بررسی پارادوکس‌های مختلف موجود در زمینه تخریب و ترمیم بناهای تاریخی و عبرت‌های گذشته، نشان از حساسیت کنشگران اجتماعی برای بقای بناهای متروکه تاریخی روسیه و احیای مجدد آنها می‌باشد که در نتیجه این اقدامات، واژه جدیدی در ادبیات روسی با عنوان مدافعان شهر نیز پدید آمده است و مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین پیگیری و جدیت مدافعان شهرها موجب حمایت سیاستمداران و ورود آنها به حوزه حمایت در بهسازی و مرمت آثار باستانی و تا حدی جلوگیری از تخریب و سرقت اشیاء قیمتی این بناها شده است.

چرا داوطلبان و فعالان اجتماعی مجبورند شهرهای تاریخی را از دولت نجات دهند؟

در اولین تعطیلات آخر هفته‌ی دسامبر در شهر چیستاپال جمهوری تاتارستان، جنبش عظیمی از مردم عادی و داوطلبان شهرهای مختلف روسیه بوقوع پیوست. آنها جمع شدند تا فوراً شهرک تاریخی را، به گفته آنها از غارتگران و هوای بد نجات دهند.

هدف این کمپین سه روزه که توسط شعبه جمهوری خواهان انجمن حفاظت از بناها و آثار تاریخی و فرهنگی روسیه (VOOPIK) برگزار می‌شود، همگام با موزه و شهرداری، حفظ ده ساختمان برتر خالی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم از سرمای زمستان و جلوگیری از سوختن آنها است. بنابراین بناهای تاریخی قادر به زنده ماندن در زمستان خواهند

ساخته شده تحت قانون حفاظت نیز وجود نداشت، که می تواند شامل ساختمان های مسکونی نیز باشند. چند سال قبل، مدافعان شهر توانستند یک اصلاحیه قانونی را به دست آورند که



خانه بازرگان شمس الدینوف توسط دولت محافظت می شود، اما این امر آن را از ویرانی نجات نمی دهد

اجازه بازسازی بناهای میراث فرهنگی را بجای تخریب آنها بدهد. اما برای ساختمان های تاریخی «عادی»، هنوز هیچ استثنائی ارائه نشده است.

البته همه خانه های تخلیه شده دارای ارزش تاریخی نیستند، اما تعداد آنها بسیار زیاد است. تنها در چیستاپال، به گفته مدافعان شهر، بیش از ۵۰ خانه تاریخی خالی، مستحق حفظ هستند. در سراسر کشور، ده ها هزار خانه از این دست وجود دارد.

با این حال، هیچ برنامه دولتی متناظر در مقیاس ملی وجود ندارد، و حتی این امر از نظر تامین منابع مالی نیز پشتیبانی نمی شود. بنابراین نجات بناهای تاریخی چیستاپال بر عهده فعالان اجتماعی است، که با جمع آوری بودجه برای حفاظت از ساختمان ها تلاش کنند. طبق محاسبات مدافعان شهر، هزینه تعمیرات یک خانه تاریخی حدود ۱۰۰ هزار روبل است. زیرا



شما نه تنها باید هزینه هتل و وعده های غذایی گرم را برای داوطلبان بپردازید، بلکه می بایست مصالح ساختمانی، چوب، تخته سه لا، تخته موجدار برای حصار دور خانه، ابزار، ماسک، دستکش و غیره خریداری کنید. آنها از سرتاسر جهان گرد هم آمده اند: ساکنان چیستاپال، داوطلبان پروژه "Tom Sawyer Fest"، شورای مرکزی VOPIK، پروژه داوطلبان فرهنگ و حتی شهردار این شهر شخصاً در خرید مصالح ساختمانی کمک کرده اند ...

به نظر می رسد وقت آن رسیده است که به طور کلی نتیجه گیری کنیم: این وضعیت عجیبی است - واژه میراث تاریخی که بسیاری از مردم احساس می کنند فقط در حد کلماتی است که

از تریبون های بلند کشور بیان می شود، فقط برای فعالان اجتماعی و غیره ضروری است.

دومین پارادوکس چیستاپال

واقعیت این است که کشور روسیه از چیستاپال بسیار محافظت می کرد، مخصوصاً به عنوان یک شهر تاریخی. در سال ۲۰۱۴، در بین شهرک های تاریخی با اهمیت فدرال (مانند چیستاپال)، یک انتخاب رقابتی در تمام روسیه برای شرکت در پروژه بین المللی حفظ و توسعه شهرها و شهرک های کوچک تاریخی برگزار شد. سپس چیستاپال به همراه تارژوک، ویبورگ و گاراخووتس به عنوان برنده رقابت سرمایه گذاری بزرگ شناخته شدند.

در سال ۲۰۱۹، وزارت فرهنگ روسیه و صندوق سرمایه گذاری و پروژه های ساختمانی سن پترزبورگ (FISP) اجرای این پروژه بین المللی را در چیستاپال آغاز کردند. اکنون به این طرح توسعه یکپارچه سرزمین ها و زیرساخت های شهرک های کوچک تاریخی گفته می شود. سرمایه گذاری بانک توسعه نوین BRICS در جمهوری تاتارستان ۳۸ میلیون دلار خواهد بود. به موازات آن، در چیستاپال، به دستور مقام ارشد جمهوری تاتارستان آقای رستم مینیخانوف، بهسازی مسیرهای توریستی در مرکز تاریخی شهر اجرا می شود. با در نظر گرفتن کلیه منابع، میزان کل سرمایه گذاری در مرمت بناها، تعمیر نماها و بهسازی خیابان ها و میادین حدود ۳ میلیارد روبل خواهد بود. در طول شش سال می بایست ۱۵ ساختمان شامل بخشی از موزه های چیستاپال و ۲۴ ساختمان در شهر، مرمت شوند، نمایشگاه های جدید، سالن های نمایشگاهی ایجاد شده، بلوار شهر و اسکله کشتی های مسافری بازسازی شود، هتل های جدید، کافه ها، مراکز صنایع دستی و سایر موارد ساخته شود. پیش بینی می شود پس از اجرای این پروژه، تعداد گردشگران در چیستاپال ده برابر و به پانصد هزار نفر در سال افزایش یابد.

شرط ضروری برای تخصیص بودجه برای این پروژه توسط بانک توسعه نوین BRICS، حفظ میراث فرهنگی است. اگر مشخص شود که تاریخ شهری در حال تخریب یا تهدید است، تصمیم مورد تأمین بودجه یا میزان آن قابل بررسی است.

طبق قانون، حفاظت از شهرک های تاریخی، نه تنها در مورد وضعیت بناهای تاریخی و معماری آنها (۱۴۴ نمونه از آنها در چیستاپال وجود دارد)، بلکه همچنین به مناظر شهری، محیط تاریخی و حتی ویرانه ها نیز در صورتی که توسط متخصصان به عنوان اماکن ارزشمند شناخته شوند تعلق می گیرد. از این منظر، خانه های تاریخی در چیستاپال می بایست گرامی داشته شده و در پروژه های گردشگری آینده موقعیت و نقش خود را پیدا کنند. با این حال، واقعیت چیستاپال باعث ایجاد ترس در بین مدافعان جمهوری تاتارستان می شود. ده ها خانه قدیمی در این مرکز در برنامه بودجه مرمت بانک BRICS، از جمله خانه



های خالی که اکنون توسط داوطلبان نجات یافته اند، درج نشده اند. از خانه های خالی و اشیاء مربوط به میراث فرهنگی محافظت نمی شود، غارتگران، قطعات حک شده، درها، چارچوب های پنجره، اجاق ها و پارکت ها را از آنجا بیرون می کشند. آجرهای عتیقه در اینترنت بصورت آزادانه فروخته می شوند، آنها به طور مرتب در قفسه هایی در حیاط های خالی انباشته می شوند، کانتینرها آنها را از خانه های متروکه بیرون می آورند. کارمندان موزه حتی غارتگران را در حین سرقت دستگیر کردند و به پلیس تحویل دادند، اما تحت پیگرد قانونی قرار نگرفتند - پاسخ پلیس: خسارت به اندازه کافی جدی نیست ...

اولسیا بالتوسووا، دستیار مقام ارشد جمهوری تاتارستان در میراث فرهنگی می گوید: ما باید جلوی این وحشیگری را بگیریم.

این موضوع از افتخارات مشترک ما است ما معتقدیم که می توانیم با هم کنار بیاییم و درصدی از دنیا را از غارت نهایی نجات دهیم. ما دوباره و دوباره در چیستاپال تجمع خواهیم کرد، تا زمانی که جلوی ایراد خسارت به خانه های در معرض خطر را بگیریم.

اما در حالی که داوطلبان در حال تعمیر برخی از خانه ها هستند، برخی دیگر اقدام به تخریب ساختمان های دیگر کرده اند. و به نظر می رسد، برای سرنوشت بناهای تاریخی، که قبلاً تحت حمایت دولت قرار گرفته اند نیز واهمه ای وجود دارد. علاوه بر این، چیستاپال برای خانه نویسنده کنستانتین فدین که در اواخر بهار سال ۲۰۱۹ توسط یک مالک خصوصی تخریب شد متحمل هزینه شد. حدود ۷۰ خانه در چیستاپال از نظر میراث فرهنگی وضعیت موقتی دارند. برای ثبت نمودن آنها به صورت دائمی بعنوان ساختمان های میراث فرهنگی، لازم است بررسی تاریخی و فرهنگی انجام شود. یک کارشناس غیر مقیم در حال حاضر مشغول انجام چنین بررسی هایی است و طبق اطلاعات غیررسمی نتیجه آن منفی است.

مدافعان شهر واهمه آن را دارند که ده ها خانه از آثار تاریخی شناسایی شده می بایست انتظار تخریب داشته باشند. اگر شرایط مطابق با این سناریو پیش رود، چیستاپال به خطر می افتد و

سرنوشت شهر تاریخی کازان را که در دهه ۲۰۰۰ نه تنها آثار تاریخی، بلکه بسیاری از بناهای قدیمی آن از بین رفته است را تکرار خواهد کرد.

سابقه باروفسکی

یک سال پیش، داستانی مشابه در شهر باروفسک استان کالوگا اتفاق افتاد، ما در مورد آن در شماره ۴۰ نشریه آگانیکو در سال ۲۰۱۸ نوشتیم. در زمینه خانه های قدیمی، تخریب های انجام شده، خشم مورخان محلی، مذاکرات دشوار با مقامات شهری و ...

در نتیجه عملیات تخریب متوقف شد و چند ماه بعد، ولادیمیر پوتین پس از بحث درباره این موارد در جلسه شورای فرهنگی و هنری ریاست جمهوری، دستور داد در زمینه حفظ بناهای تاریخی باروفسک اطمینان حاصل شود که تاکنون در حال اجرا است.

اما خانه های موجود در لیست تخریب، تحت بررسی تاریخی و فرهنگی قرار دارند. و اخیراً مشخص شد که به یکباره شش خانه از طرف کارشناسان به عنوان اماکن ارزشمند شناخته نشده و چشم انداز تخریب مجدداً برای آنها دیده می شود. اما وضعیت شهرک سازی باروفسک هنوز در آینده ای مه آلود مانند پاییز گذشته است. با این حال، وضعیت در چیستاپال چگونه ای است که اماکن تاریخی هنوز توسط فعالان اجتماعی بازسازی و مراقبت می شوند. احتمالاً، اگر درد و اضطراب چیستاپال را به رئیس جمهور منتقل کنید، ولادیمیر پوتین دستور خواهد داد که ساختمانهای تاریخی چیستاپال را نیز حفظ کنند.

اما نجات هر شهر تاریخی به طور جداگانه با بهره گیری از نیروی کلام ریاست جمهوری غیرممکن است. سازمان های حفاظت از شهرها بارها و بارها در زمینه های محافظت از میراث فرهنگی، اماکن دیدنی و شهرک های تاریخی، محافظت قانونی را در برابر تخریب کلیه بناهای تاریخی پیشنهاد کرده اند. اما پیشنهادات آنها در حد یک آوای فریبنده باقی مانده است.

Как жили славяне?

Славяне занимались земледелием и скотоводством, ловили рыбу и охотились. У них были коровы, свиньи, лошади.

Летописи рассказывают о гостеприимстве славян. Выходя из дому, они не запирали двери и оставляли на столе еду для странников. Купцы, ремесленники охотно посещали славян, между которыми не было ни воров, ни разбойников.

Какие верования были славян?

Славяне, как и многие древние народы, были язычниками, они поклонялись стихиям, верили в родстве людей с различными животными, приносили жертвы божествам, населяющим все вокруг. В любом явлении окружающего мира язычники видели волю светлых или темных божеств. Славяне обожествляли камни, родники, колодцы, деревья, болота, озёра, деревья.

Славяне делали из дерева и камня фигуры - идолов, которые передавали образы славянских богов. Славянские идолы были обязательным атрибутом религиозных обрядов Древней Руси. Использование дерева для изображений богов объяснилось верой в магическую силу дерева - идол, таким образом, соединял в себе священную силу и дерева, и божества.

Как расселились славяне?

В первом тысячелетии до новой эры началось переселение славянских племен. Часть славян переселилась на Балканы и стала жить на территории Византийской империи. Это южные славяне. Их потомки - современные хорваты, словенцы, сербы, македонцы. Часть славян осталась в центральной Европе. Это западные славяне. От них произошли поляки, чехи, словаки. Часть славян ушла на восток - от реки Днепр до Балтийского моря. Это восточные славяне, предки современных русских, украинцев, белорусов.

Источник: История России в событиях и судьбах: Учебное пособие с мультимедийным приложением для изучающих русский язык как иностранный/ А. А. Акишина и др. - М.: Русский язык. Курсы. 2015. - С. 168



اسلاوها چگونه زندگی می کردند؟

اسلاوها کشاورز و دامدار بودند، ماهی می گرفتند و شکار می کردند. آنها گاو و اسب و خوک داشتند.

تاریخ نویسان از مهمان نوازی اسلاوها چنین می نویسند: زمانی که از خانه بیرون می رفتند درها را نمی بستند و برای بی خانمان ها بر روی میز غذا می گذاشتند. بازرگانان و صنعتگران اسلاوها را مردم درستی می دانستند که هیچ دزدی در بینشان نبود.

دین و مسلک آنها

اسلاوها مانند بسیاری از مردمان قدیم، بت پرست بودند، آنها عناصر را می پرستیدند. به خویشاوندی بین انسان و حیوانات مختلف اعتقاد داشتند و برای خدایان قربانی می کردند. بت پرستان در تمام وقایع جهان اراده خدایان نور و تاریکی را می دیدند. آنها سنگ ها، چشمه ها، چاه ها، درختان، مرداب ها و دریاچه ها را می پرستیدند.

اسلاوها بر روی تنه درختان و سنگ ها چهره خدایان خویش را تراش می دادند بت هایشان یکی از واجبات آیین های مذهبی آنها بودند. استفاده از درخت برای تراش صورت خدایان بر روی آن، نشانه ای از قدرت جادویی آن بود و در نتیجه آن، ترکیب قدرت خدایان و قدرت ذاتی درخت یک باره در آن تراشه نمایان می شد که بسیار برای آنها مقدس بود.

مهاجرت اسلاوها

در هزاره اول قبل از میلاد، مهاجرت قبایل اسلاو آغاز شد. گروهی از آنها - اسلاوهای جنوبی - به سمت بالکان رفته و در قلمرو بیزانس ساکن شدند. نوادگان آنها کروات ها، اسلوونی ها، صرب ها و مقدونی های امروزی هستند. گروهی دیگر - اسلاوهای غربی - در اروپای مرکزی ماندند. آنها لهستانی ها، چک ها و اسلواکی های امروزی هستند.

گروهی دیگر نیز به سمت شرق - از رودخانه دنیپر تا دریای بالتیک - رفته و در آنجا ساکن شدند. اسلاوهای شرقی اجداد روس ها، بلاروسی ها و اوکراینی های امروزی هستند.

Давайте съездим всей семьей на речку.
Помоги младшей сестре собрать игрушки!
Откройте учебники и выполните упражнение.



А Васька слушает да ест

از این گوشت فر گیرد و از آن گوشت در فر کند.

Так говорят, когда человек не обращает внимания на замечания или упреки других людей и продолжает делать то же самое.

- *А вот и опоздавший Смирнов! Сколько раз тебя наказывали за опоздания, а тебе всё равно. Вот уж действительно: а Васька слушает да ест.*

- *Простите, Ольга Петровна. Это в последний раз.*

Выражение пришло в русскую речь из басни И.А. Крылова «Кот и повар». В ней повар ругает кота Ваську за украденное мясо, не обращая внимания на упреки повара:

А ты... ахти какой позор!

Теперь все соседи скажут:

«Кот Васька плут! Кот Васька вор!

И Ваську-де не только что в поварню,

Пускать не надо и на двор,

Как волка жадного в овчарню:

Он порча, он чума, он язва здешних мест!»

(А Васька слушает да ест)

Источник: фразеологический словарь (Почему мы так говорим?), Н. В. Баско, 2010, С. 6

کاربرد: این ضرب المثل زمانی استفاده می شود که شنونده به حرف یا نصیحتی بی اعتنا باشد، گویی که نشنیده باشد.

همچنین این ضرب المثل در زبان روسی در مقایسه با زبان فارسی به صورت نیمه معادل است، زیرا تمام اجزای جملات در دو زبان با یکدیگر تطابق کامل ندارند.

روایت های مختلفی پیرامون این مثل وجود دارد که در زیر به یکی از آنها می پردازیم:

آشپزخانه ای کوچک وجود داشت. پیرزنی دنیا دیده و با تجربه که دست پختش شهره ی عام و خاص بود، آنجا غذا می پخت و می فروخت. پیرزن بسیار با مهارت غذاهای مختلف را آماده می کرد و مردم نیز عاشق دست پخت او بودند.

اما هر بار تندی غذایش، زیادی زیر زبان می آمد و مردم از روی علاقه ی زیاد به پیرزن می گفتند که غذایت بسیار لذیذ است اما کمی از تندی آن بکاه، زیرا که نمی خواهیم به دلیل این موضوع از خوردن غذاهای تو عاجز باشیم. پیرزن هر بار در پاسخ به سخن های دیگران چشم آهسته ای می گفت و باز به کار خود ادامه می داد.

تا اینکه دیگر مردم شهر از گفتن های خود و نشنیدن های پیرزن خسته شدند و دیگر به مطبخ خانه ی کوچک او نرفتند. بین مردم و اهالی شهر اینگونه زبانزد شد که پیرزن سخنان و خواسته ی ما را از این گوش می گیرد و از آن گوش در می کند. اینگونه بود که آشپزخانه ی پیرزن بسته شد و تنها دلیل آن این بود که پیرزن حرف را از این گوش می گرفت و از گوش دیگر در می کرد.



ترجمه اثر:

قلب سوزان

ماکیم کورکی

مناز معضریان، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس

پهنه‌ی دشت عادت داشتند. و وحشتناک‌تر آن بود که باد به نوک درختان می‌خورد و در تمام جنگل صدای خفه‌ی هوهویی می‌پیچید، گویی آنان را تهدید می‌کرد و برایشان آوای سوگ سرمی‌داد.

با این حال آنان انسان‌های سرسختی بودند و می‌توانستند تا پای جان با کسانی به نبرد برخیزند که روزی از آنان شکست خورده بودند، اما نمی‌بایست در جنگ می‌مردند چرا که برآنان وصیتی بود که با مرگشان نیست و نابود می‌گشت. به همین خاطر شب‌های طولانی همراه با صدای خفه‌ی جنگل و کنار باتلاق متعفن مسموم نشستند و به اندیشه فرورفتند. می‌نشستند و سایه‌ی آتش‌های افروخته شده اطرافشان در پایکوبی بی‌صدایی به لرزه درمی‌آمد. به نظر همگان چنین می‌رسید که این نه رقص سایه‌ها که رقص ارواح پلید جنگل و باتلاق است. مردم مدت طولانی نشستند و اندیشیدند.

... و از فکر ناتوان گشتند، ترس میانشان متولد شد و دستان سرسختشان را به بند کشید. زنان وحشت را با شیون بر سر اجساد مردگان از بوی تعفن و سرنوشت زندگان در بند ترس پدید می‌آوردند و مهمه‌ی وهم‌آلودی رفته‌رفته در جنگل طنین‌انداز می‌گشت. ابتدا نرم‌نرم و آرام و سپس بلند و بلندتر. دیگر قصد رفتن به سمت دشمن و تقدیم آزادی خویش به او را کردند و هیچ‌یک از آنان که تا پای مرگ رفته بودند دیگر از

در روزگاری دور، مردمانی بودند که قبیله‌شان از سه طرف با جنگل و از سویی دیگر با دشت احاطه شده بود. آنان مردمانی شاد، ثروتمند و شجاع بودند. اما این شادی دیری نپایید و دوران سختی فرا رسید: از جایی قبایلی دیگر سربرآوردند و ساکنان قدیمی را به اعماق جنگل راندند. آنجا جنگلی کهنسال بود که سرتاسرش را تاریکی و باتلاق فراگرفته بود و شاخه‌های درختانش به قدری درهم‌تنیده بودند که از میانشان آسمان دیده نمی‌شد و پرتوهای خورشید به سختی می‌توانستند راهی تا باتلاق پیدا کنند. اما هنگامی که این پرتوها بر روی باتلاق می‌افتادند چنان بوی تعفنی از آن برمی‌خواست که مردمان یکی پس از دیگری تلف می‌شدند. آنگاه بود که زنان و کودکان قبیله گریه سرمی‌دادند و پدران در اندیشه فرومی‌رفتند و دچار غم و اندوه می‌شدند. جنگل باید ترک می‌شد، دو راه وجود داشت: یکی به عقب که در آن همان دشمنان سنگدل و نیرومند بودند و دیگری به جلو، در آنجا، درختان غول‌پیکر تنگاتنگ، یکدیگر را با شاخه‌های درهم‌تنیده و ریشه‌های گره‌دارشان که در عمق لجز باتلاق ریشه داشتند، در آغوش گرفته بودند. این درختان تنومند روزهنگام در گرگ‌ومیشی مه‌آلود خاموش و بی‌حرکت می‌ایستادند و شب‌هنگام آن‌دم که آتش برافروخته می‌شد، با حلقه‌های تنگ‌تر مردمان را درهمی‌فشردند. و شب‌ها و روزها تاریکی سختی آن مردم را فرامی‌گرفت گویی قصد درهم‌شکستنشان را داشت و این در حالی بود که آنان تنها به

زندگی برده‌وار نمی‌ترسیدند. اما به ناگاه دانکو سر رسید و به تنهایی همه را نجات داد.

دانکو یکی از آن مردمان بود، جوانی زیبارو. زیبارویان همیشه شجاعند. او به دوستان خویش چنین گفت: «با اندیشه هیچ سنگی از مسیر برداشته نمی‌شود. آن که عمل نکند به جایی نیز نخواهد رسید. چرا باید نیرو و توان خویش را صرف فکر کردن و غم خوردن کنیم؟ به پاخیزید، به دل جنگل می‌رویم و از میان آن عبور می‌کنیم، آن هم پایانی دارد- هر چیزی را در این هستی پایانی است! هی! به پیش!»

به او نگریستند و دیدند که او از همگان بهتر است چرا که در دیدگانش برق قدرت و آتش زندگی نمایان بود.

آنان گفتند: «ما را هدایت کن!»

و او هدایتشان کرد...

... دانکو آنان را هدایت کرد. همگان با دل و جان پشت سر او به راه افتادند چرا که او را باور داشتند. راه دشواری بود! تاریک بود و باتلاق با هر گام دهان گندیده‌ی حریص خویش را می‌گشود و مردمان را می‌بلعید و درختان همچون دیواری سستبر راه را بر آنان می‌بستند. شاخه‌های آن‌ها همچون مارانی در هم تنیده بودند، هر سو ریشه دوانیده بودند، و هرگام برای این مردمان با خون و عرق فراوانی همراه بود. مدتی طولانی رفتند... هر چه جنگل در هم تنیده‌تر می‌گشت، توان مردمان نیز رو به کاستی می‌رفت! و آنگاه شروع به سرزنش دانکو کردند. می‌گفتند که او جوان و بی‌تجربه است و بیهوده راهنمایی آنان را بر عهده گرفته است. ولی دانکو همچنان سرزنده و شادمان پیشاپیش آنان می‌رفت.

اما روزی به ناگاه طوفانی جنگل را در گرفت و صدای خفه و خوفناک درختان در آن پیچید. درست آن زمان بود که چنان تاریکی‌ای جنگل را فراگرفت که گویی تمامی شب‌هایی که از بدو تولد جهان وجود داشت به یکباره در آن جمع شده بودند. مردمان ریزنقش از میان درختان غول‌پیکر و در صدای مخوف صاعقه در امتداد جنگل می‌رفتند و درختان تنومند غوغاکنان آوای خشم سر می‌دادند و صاعقه‌ها پروازکنان بر فراز جنگل آن را برای لحظه‌ای با آتشی سرد و کبود روشن می‌کردند و با همان سرعت پدیدار شدنشان محو می‌گشتند و در دل مردمان رعب و وحشت می‌انداختند. و همان درختانی که با آتش سرد و کبود صاعقه روشن شده بودند، زنده به نظر می‌رسیدند و اطراف آن مردمانی که از اسارت تاریکی گریخته بودند، حلقه‌ای تشکیل داده و در حالی که با دستان کشیده و کج و کوله‌اشان شبکه‌ای در هم تنیده ایجاد کرده بودند، می‌کوشیدند مانع تلاش مردمان شوند. و از میان تاریکی شاخه‌ها چیزی ترسناک، تاریک و سرد

به آنان می‌نگریست. راه دشواری بود و مردمان به تنگ‌آمده از آن روحیه‌ی خویش را از دست داده بودند، اما شرمشان می‌آمد که به ناتوانی خویش اعتراف کنند و با خشم و نفرت به دانکو که همچنان پیش روی آنان بود هجوم آوردند و شروع کردند به ملامت وی که به نظر آنان نمی‌توانست درست هدایتشان کند. ای عجب!

مردمان بی‌رمق و بی‌رحم ایستادند و در پس زمینه‌ی آوای باشکوه جنگل، در میان تاریکی لرزان به بازخواست دانکو پرداختند.

آنان گفتند: «تو برای ما آدم پست و زبان‌آوری هستی. ما را هدایت کردی و از پا انداختی و به همین خاطر خواهی مرد!»

دانکو در حالی که جلوی آنان سینه سپر کرده بود فریاد کشید: «شما گفتید هدایت کن و من همان کردم که خواستید. در من شجاعت و مردانگی هدایت بود و من هم همان کردم! و اما شما چطور؟ شما برای کمک به خویشتن چه کردید؟ شما رفتید و رفتید و حتی نتوانستید نیروی خود را برای مسافتی طولانی‌تر حفظ کنید. شما همچون گله‌ای گوسفند رفتید و رفتید.»

اما این سخنان مردمان را بیش از پیش به جنون کشاند و فریاد کشیدند: «خواهی مرد! خواهی مرد!»

و جنگل پیوسته صغیر می‌کشید و پژواک صدایشان را طنین‌انداز می‌کرد و صاعقه‌ها دل تاریکی را می‌شکافتند. دانکو به آنانی که به خاطرشان این سختی را متحمل شده بود می‌نگریست و می‌دید که آنان به جانورانی درنده‌خو می‌مانند. انسان‌های زیادی اطرافش را فراگرفته بودند، اما در چهره‌ی هیچ‌یک نجابتی نمایان نبود، و او نمی‌بایست انتظار هیچ رحمی از سوی آنان داشته باشد. آنگاه در قلب او نیز آتش نفرت افروخته گشت، اما به خاطر دلسوزی نسبت به آنان این آتش فروکش کرد. او مردمان را دوست داشت و فکر می‌کرد که آنها بدون وی ممکن است از بین بروند. همان دم قلبش با آتش آرزوی نجات آنان و هدایتشان به سمت راهی آسان شعله‌ور گشت و سپس در چشمانش برقی از همان آتش قدرتمند شروع به درخشش کرد... و آن مردمان با دیدن چشمان وی گمان کردند که او از شدت خشم دیوانه شده و به خاطر همین است که چشمانش این‌گونه می‌درخشد. مردمان بسان گرگانی که منتظر حمله از سمت او باشند به خود حالت تدافعی گرفته و حلقه‌ی خویش را اطراف او تنگ‌تر کردند تا راحت‌تر بتوانند دانکو را احاطه کنند و بکشند. وی فکر آنان را خواند و قلبش از آن فکر با شدت بیشتری شعله‌ور گشت چرا که این فکر آن‌ها در او غم و اندوه به وجود آورده بود.

و جنگل همچنان آوای غم‌انگیز خویش را سر می‌داد و رعدی کوبنده جنگل را فراگرفته بود و بارانی بی‌امان می‌بارید... دانکو قوی‌تر از رعد فریاد برآورد: «چه کاری از من برای این مردم

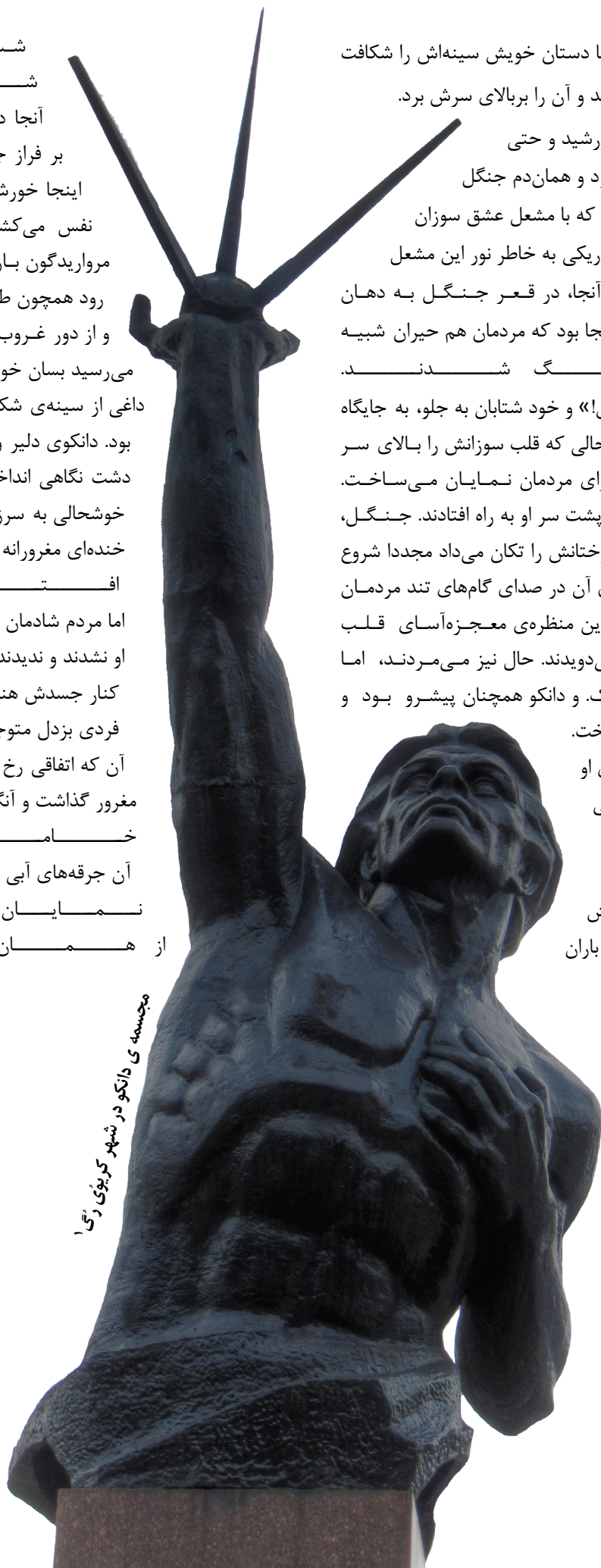
ساخته است؟» و همان دم با دستان خویش سینه‌اش را شکافت و قلبش را از آن بیرون کشید و آن را بر بالای سرش برد.

قلب بس درخشان بسان خورشید و حتی درخشان‌تر از آن شعله‌ور بود و همان دم جنگل را سکوت فراگرفت، جنگلی که با مشعل عشق سوزان به مردم روشن شده بود و تاریکی به خاطر نور این مشعل پس رفت و تاریکی لرزان، آنجا، در قعر جنگل به دهان گنبدی‌های باتلاق فروافتاد. آنجا بود که مردمان هم حیران شبیه به سَنَنگ شدند. دانکو فریاد برآورد: «به پیش!» و خود شتابان به جلو، به جایگاه پیشین خود بازگشت و در حالی که قلب سوزانش را بالای سر برافراشته بود، با آن راه را برای مردمان نمایان می‌ساخت. مردمان مسحور نیز شتابان پشت سر او به راه افتادند. جنگل، حیران در حالی که نوک درختانش را تکان می‌داد مجددا شروع به سر و صدا کرد، اما صدای آن در صدای گام‌های تند مردمان خفه شد. همگان شیفته‌ی این منظره‌ی معجزه‌آسای قلب سوزان، سریع و شجاعانه می‌دویدند. حال نیز می‌مردند، اما مرگی عاری از شکایت و اشک، و دانکو همچنان پیشرو بود و قلبش می‌سوخت و می‌سوخت.

و به ناگاه جنگل پیش روی او گشوده شد و پشت سر باقی ماند، خاموش و درهم‌تنیده و دانکو و تمامی آن مردمان به یکباره در دریای درخشش خورشید و هوای تازه که با باران

شسته شده بود، غرق شدند. آنجا درست پشت سرشان، بر فراز جنگل طوفان بود و اینجا خورشید می‌تابید، دشت نفس می‌کشید، علف‌ها در قطرات مرواریدگون باران می‌درخشیدند و رود همچون طلا برق می‌زد... عصر بود و از دور غروب، رود سرخ به نظر می‌رسید بسان خونی که همچون جوی داغی از سینه‌ی شکافته‌ی دانکو جاری بود. دانکوی دلیر و مغرور بر پهنه‌ی دشت نگاهی انداخت. او نگاهی از سر خوشحالی به سرزمین آزاد انداخت و خنده‌ای مغرورانه سرداد و سپس بر زمین افتاد و مرد. اما مردم شادمان و امیدوار متوجه مرگ او نشدند و ندیدند که قلب شجاع دانکو کنار جسدش هنوز شعله‌ور است. تنها فردی بزدل متوجه آن شد و از ترس آن که اتفاقی رخ دهد پا بر آن قلب مغرور گذاشت و آنگاه قلب جرقه‌ای زد و خاموش شد. آن جرقه‌های آبی دشت که قبل از طوفان نمایان می‌شوند، از همان جاست.

مجسمه‌ی دانکو در شهر کریوی ری



دومین کمپ روسے دانشگاه تربیت مدرس

۱۷ بهمن ۱۳۹۸



تابستان ۹۹



اطلاعیه ۱

گروه و انجمن علمی دانشجویی زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس برگزار می کند:

مدرسه تابستانه روسی

ادبیات معاصر زبان روسی

دستور زبان روسی

گفت و شنود

تاریخ و فرهنگ روسیه

زبان روسی با اهداف ویژه

اطلاعات تکمیلی درباره ی دوره ها و نحوه ثبت نام متعاقبا اعلام می گردد.